

اوج زندگی

مجموعه رهنمودهای اخلاقی حضرت

آیت الله سید رضا بهاء الدینی



www.ketab.ir



ent.taghdir @ gmail.com

مراكز بخش:

-9155101001

اصفهان

• 91222222229

تعداد:

· 91336A13A ·

اصفهان:

• 91218V96FA

تعداد:

913412661A

اصفهان

• 93735 • 4533

خ مشرق

9103181A1A

مشاور

916A-2752A

0300

912252.444

5

9276282111

...and

91A499A

*

9195011-38

المؤلف



فهرست

۹	زندگی نامه
۱۰	فلسفه در اسلام
۱۰	قدرت حق
۱۰	استفاده از نعمت‌ها
۱۲	تحول نفسانی
۱۲	اختیار انسان
۱۲	ملائیت نفس
۱۴	مسیر شیطان
۱۴	انقطاع از راه خدا
۱۴	سرافراز و
۱۶	پهره‌مندی
۱۶	بهشت برین
۱۶	نیاز به سازندگی
۱۸	نصرت خدا
۱۸	نصرت همه جانبه
۱۸	حرکت و برکت
۲۰	سرمایه‌های ماندگار
۲۰	مراتب ظلم
۲۲	معیار خوبی و بدی
۲۲	خرابی نفس
۲۲	نماز سیاسی
۲۴	بندگی و معرفت خدا
۲۴	قرب به حق
۲۴	دشمنی با خود
۲۶	عمر بر باد رفته
۲۶	مرتبه عقل
۲۸	حادثه آفرین‌ها

۲۸	شرارت انسان
۳۰	مبدأ خیرات
۳۰	حرکت‌های الهی
۳۲	حیات طیبه
۳۲	به فکر خودسازی
۳۲	دستاورد تهذیب
۳۴	طهارت نفس
۳۴	وراثت عقل و توحید
۳۶	سیرت دینی
۳۶	ماتنی مکمل
۳۶	تطهیر ماز
۳۶	مثل ابزار دیناری
۳۸	مرد خدا
۳۸	معنای ولایت
۴۰	بی توجهی به نفوس
۴۰	رمز قبولی نماز
۴۰	مراقبت از خویش
۴۲	جبهه بندگی
۴۲	غلام زین العابدین (ع)
۴۴	حضور در جبهه حق
۴۴	دو دستور العمل
۴۶	بی اعتنا به تشریفات
۴۶	برای درک معارف
۴۶	گام نخست
۴۸	زمان خودسازی
۵۰	از راه بندگی
۵۰	ملاک دعا
۵۰	روح تجاوز
۵۰	موانع ادراک حقایق
۵۲	تو خود حجاب خودی

۵۲	مسیر تکامل
۵۲	راهیابی به حقایق
۵۴	دعوت شیطانی
۵۴	همراهی شیطان
۵۴	بی‌اعتنایی به تعریف دیگران
۵۶	مواع توجه به خدا
۵۶	کار خیر
۵۸	توطئه‌های شیطانی
۵۸	ماکت نفس
۶۰	بی‌ای دام شیطان
۶۰	مسیر انسان شدن
۶۰	در سایه بندگی
۶۲	محروم از محبت بی‌اله
۶۲	نفس حیوانی
۶۲	نهال انسان
۶۴	غرض آفرینش
۶۴	آمریکایی!
۶۴	خروج از فطرت
۶۶	ارتباط با خدا
۶۶	حضور در اجتماع
۶۸	بازگشت به رحمت خدا
۶۸	نعمت، تابع همت
۷۰	الطاف الهی
۷۰	لباقت نفوس
۷۲	عبادت تشریفاتی
۷۲	نیاز به معنویت
۷۲	استفاده از جوانی
۷۲	بهره‌مندی از عبادات
۷۴	درک حقایق
۷۴	عروج

۷۶		عظمت نماز
۷۶		توحید؛ اثر نماز
۷۸		عروج بشر
۷۸		عذاب الهی
۷۸		نفوس الهی
۸۰		مراتب نورانیت
۸۰		نصرت خدا
۸۲		بقطاع از خداوند
۸۲		رباط الهی
۸۴		ان درج
۸۴		از خو شروع کنیم
۸۴		محک خوبی
۸۶		مفهوم بندگی
۸۶		به سوی کمال
۸۸		صدق در عبودیت
۸۸		توفیقات الهی
۹۰		ضعف عقل
۹۰		بصیرت قلبی
۹۲		دعوت به بندگی
۹۲		مراحل تهذیب
۹۲		تهذیب انبیاء
۹۴		رأیه با خدا
۹۴		رهایی از اضطراب
۹۴		نورانیت عقل

در نهمین روز فروردین ماه ۱۲۸۷ ش. طفلی پاک طینت از خانواده‌ای مذهبی بدنیا آمد. اشتیاق آن ولادت با جشن ولایت و عید غدیر سال ۱۳۲۷ قمری همراه بود و این میلاد، شادی افزونتری برای اطرافیان کودک به ارمغان آورد. نامش را «سید رضا» نهادند تا به یرکت این نام و نوادیت آن ایام برای همیشه «بهاء الدین» باشد.

اوان کودکی وی همراه با استعداد و حافظه فوق العاده توصیف شده است. از جمله خود وی گفته است: «یک ساله که بودم افراد پاک طینت و نیکو سرشت را دوست داشتم و علاقه‌ای قلبی به آنان پیدا می کردم. خیر و شر را می فهمیدم و بین انسان های خیر و نیکوکار و افراد شرور و طغیانگر فرق می گذاشتم». سید رضا چون به دو سالگی رسید به مکتب خانه پای گذاشت. حمد و سوره، اذان و اقامه و سپس قرائت قرآن را یاد گرفت و آن گاه خواندن و نوشتن را آغاز کرد. در شش سالگی دوره مکتب تمام شد و برای آموختن درس های دیگر به مکتب دیگری رفت تا در این محل نصاب الصبیان به معنی لغات را به صورت شعر بیان می کند - و دیگر کتابها را بیاموزد. خبر موفقیت های او به عرض آیت الله سید ابوالقاسم قمی رسید و ایشان که فردی فروتن و دانشمندی پارسا و مردی پر اخلاص بود. شش سالگی را به شوق و شادمانی را با تشویق های پی در پی و فراگیر برای سید رضا فراهم ساخت. سید رضا برای بهره گیری بهتر از روزها و ساعات یک سال از مدرسه بیرون نمی رود. گرچه فاصله وی از مدرسه بسیار کم بود تا منزل بیش از هزار قدم نبوده است. مادرش که ساعت استراحت سید را می دانسته، ماعدا زمانی که فضا می رود تا فرزند خود را ببیند.

شوق بی پایان و پیشگامی فراوان وی در حوزه به آن جا انجامید که مدرسی موفق و پذیرفته فراهم ساخت. درس وی در بسیاری از مدارس هم شروع گشت. چند دوره «جامع المقدمات»، «سیوطی»، «مطلوب» و «قوانین» و پس از آن «سائنس» و «اسباب» تدریس نمود و در پی این توفیقات، «درس خارج»، ایشان برای تربیت دانشمندان و روحان آینده دست آغاز گردید. شیرین ترین لحظه های عمر را در گذر بیان و قلم سپری نمود تا سال ۱۳۰۰ هجری قمری بر سعادت در صحیفه دوران این فقیه فرهیخته رقم خورد و سید رضا «بهاء الدین» گردید.

برخی شاگردان دوره سطح این فقیه والا مقام عبارتند از آیات و حجج اسلام: «استاد شهید مطهری، احمد جنتی، علی مشکینی، محمد قاضل لنکرانی، سید مصطفی خمینی و فرزندان آیات صدر، خوانساری، حجت، ابوالقاسم قمی و حاج شیخ عباس قمی». شاگردان درس خارج ایشان عبارتند از آقایان: «حیدری کاشانی، معزی، جنتی یزدی، امجد، برادران آملی یزدی، حسینی کاشانی، نصیری و ...»

جلوه های جاودانه: «از عواملی که باورهای اعتقادی انسان را مستحکم می کند و مانع پشرفت معنوی انسان می شود، شهرت بی جا و بی فایده است. علاقه به معروفیت و شوق به دیده افتادن، نشانه ضعف ایمان و کمبودهای روحی فرد است.» بر اساس این اعتقاد، ایشان از قبول «سایه های تلویزیونی، معروفیت درباره مرجعیت، خرید منزل نزدیک حرم برای شناخته شدن بیشتر یا تهیه مهر و دایر کردن دفتر مراجعات برای مرجعیت، سرباز زده و قبول نکرد. گاهی که با اصرار برخی ارادتمندان روبرو می شد، می فرمود: «بالاخر از اینها فکر کنید. گیرم نام بنده بر سر زبانها افتاد، وقتی پیش خدا دستم خالی است، آن شهرت برای من چه سودی دارد؟... نام بنده موضوعیت ندارد.»

وی در بیست و هشتم تیرماه سال ۱۳۷۶ هجری شمسی در شهر قم درگذشت و در حرم فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و در کنار قبر استادش عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.